

کد کنترل

318

F



318F

آزمون (نیمه متمرکز) ورود به دوره های دکتری - سال ۱۴۰۲

دفترچه شماره (۱)

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.»
امام خمینی (ره)

صبح پنجشنبه

۱۴۰۱/۱۲/۱۱



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

فقه و مبانی حقوق اسلامی (کد ۲۱۳۰)

زمان پاسخ گویی: ۱۰۵ دقیقه

تعداد سؤال: ۸۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: - زبان عربی - فقه - اصول	۸۰	۱	۸۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می شود

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول زیر، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره سندلی خود با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی جلد دفترچه سؤالات و پایین پاسخنامه ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

مجموعه دروس تخصصی (زبان عربی - فقه - اصول):

■ ■ عَيْنُ الْأَنْسَبِ وَ الْأَدَقُّ فِي الْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸)

۱- ﴿ أَيْحْسِبُونَ أَنْ مَا نُؤَدِّهِمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَ بَنِينَ، نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ، بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ﴾:

(۱) آیا چنین می‌پندارند آنچه از اموال و پسران به آنها بخشیده‌ایم فقط برای اینست که در رساندن نیکیها بدانها شتاب ورزیم، درحالیکه آنان فهم آن را ندارند!

(۲) آیا چنین گمان می‌کنند ما فقط با مال و پسران بدانها مدد می‌رسانیم، تا درهای خیرات را بسرعت به روی آنان بگشائیم، و حال اینکه آنان نمی‌فهمند!

(۳) آیا گمان می‌کنند آنچه از اموال و فرزندان بدانها بخشیده‌ایم برای اینست که در رساندن نیکیها بدانها تعجیل کنیم، نه چنین است، بلکه آن را درک نمی‌کنند!

(۴) آیا می‌پندارند اینکه ما آنان را به مال و فرزندان مدد می‌نماییم، برای اینست که در خیرات برای آنها شتاب ورزیم، نه، آنان درک نمی‌کنند!

۲- « يَدْعِي بَزْعَمِهِ أَنَّهُ يَرْجُو اللَّهَ، كَذَبٌ وَ الْعَظِيمُ! مَا بَالُهُ لَا يَتَّبِعِينَ رَجَاؤَهُ فِي عَمَلِهِ؟ فَكُلُّ مَنْ رَجَا عُرْفَ رَجَاؤِهِ فِي عَمَلِهِ! »:

(۱) به گمان خود دعوی دارد که امیدش به خداوند است، به خدای بزرگ سوگند که دروغگو است! چرا امیدواری او در کردارش ناپدیدار است؟ هر که امیدوار است امیدش در عملش آشکار است!

(۲) به ادعای خود امیدش فقط به الله است، به آنکه بزرگ است قسم که دروغ می‌بافد! چه شده است که این امیدواری را در عمل نشان نمی‌دهد؟ آنکه امید داشته باشد این امید در عملش مشهود است!

(۳) به ظنّ خود ادعا دارد که به الله امیدوار است، قسم به آنکه عظیم است دروغ می‌بافد! او را چه شده که امید خود را عملاً نشان نمی‌دهد؟ کسی که امیدی داشته باشد در کردار او هویدا خواهد شد!

(۴) به زعم خود ادعا می‌کند که به خداوند امیدوار است، سوگند به خدای با عظمت که دروغ می‌گوید! پس چرا امیدواری او در عملش به چشم نمی‌خورد؟ هر کس امیدی داشته باشد از عملش معلوم می‌شود!

۳- « قَوْمٌ إِذَا أَخَذُوا الْأَقْلَامَ مِنْ قَصَبٍ ثُمَّ اسْتَمَدُوا بِهَا مَاءَ الْمَنِيَّاتِ
نالوا بها من أعاديهم، و إن كثروا ما لا ينال بحدّ المشرفيات!»:

- ۱) آنان قومی هستند که هرگاه از نی قلم‌ها بتراشند و آنگاه از شربت مرگ مرگب آنها را بسازند، با دشمنان خود، هر قدر زیاد باشند، آن کنند که بوسیله لبه تیز شمشیرها نتوان کرد!
- ۲) آن قوم اگر قلم‌هایی از نی در دست گیرند و با آب مرگ به مدد آنها بروند، با دشمن، هرچند با تعداد انبوه باشد، آن کنند که لبه‌های تیز شمشیرها نتوانند کرد!
- ۳) آن گروه وقتی قلم‌های خود را از نی نیزارها بتراشند و با آب آرزوها به کمک آنها بروند، دشمن را با وجود تعداد بی‌شمارش، با لبه تیز شمشیرها از پای درآورند!
- ۴) آنان گروهی هستند که چنانچه قلم‌هایی از نیزارها برگیرند و مرگب آنها را از شربت آرزوها بسازند، دشمنان خود را با وجود زیادی تعداد، به لبه تیز شمشیرها از پای درآورند!

۴- « ظَلَمَ لَذَا الْيَوْمِ وَصَفَّ قَبْلَ رُؤْيَتِهِ لَا يَصْدَقُ الْوَصْفُ حَتَّى يَصْدَقَ النَّظْرُ!»:

- ۱) وصف ماجرای روز، پیش از رؤیت آن ظلمی است در حق وصف اگر قبل از دیدن به توصیف بپردازد!
- ۲) ظلمی است در حق صاحب امروز اگر قبل از دیدن آن توصیف شود، زیرا وصف وقتی صادق است که مشاهده صادق باشد!
- ۳) توصیف امروز ظلم است در حق توصیف کردن ماقبل مشاهده، از آنجا که هر توصیفی وقتی صادق است که نظر صادق باشد!
- ۴) توصیف کردن ماجرای امروز قبل از مشاهده آن ظلم است در حق او، چه تا مشاهده و نظر درست نباشد وصف کردن صادق نیست!

۵- « كَانَتْ عَجَلَةَ الزَّمَنِ تَدُورُ فَإِذَا بَنَى نَرِي عَمْرًا يَتَصَرَّفُ بِلَادِ الرُّومِ فِي غَيْرِ مَوْقِعٍ، مَتَّخِذًا نَفْسَ الطَّرِيقَةِ الَّتِي شَقَّ
بِهَا طُورَ سَيْنَاءَ وَ دَخَلَ مِصْرًا!»:

- ۱) مدت زمانی سپری شد که عمر دیگر بار روم را به همان طریقه خود که قبلاً از صحرای سینا عبور کرده و وارد مصر شده بود، به تصرف خود درآورد!
- ۲) چرخ زمان می‌گشت تا اینکه عمرو را می‌بینیم که روم را به همان روش پیشین خود که صحرای سینا را پیموده و وارد مصر شد، تصرف کرد!
- ۳) چرخ زمانه می‌گشت که ناگهان عمرو را می‌بینیم که سرزمین روم را از چند موضع به‌همان شیوه‌ای که صحرای سینا را در نور دیده و وارد مصر شده بود، تصرف کرد!
- ۴) زمان بسرعت سپری می‌شد که عمر موفق شد با استفاده از طریقه قبلی خود در تصرف کشور مصر، با عبور از صحرای سینا روم را نیز تصرف کند!

- ۶- « قد تمّ الإعلان عن حكومة غير مكتملة الخميس الماضي، حيث لا تزال هناك مناصب وزارية مهمة شاغرة!»: (۱) این اعلامیه درباره دولت روز پنجشنبه گذشته به طور ناقص صادر شد به طوری که پست‌های مهم وزارتی آن هنوز خالی است!
- (۲) روز پنجشنبه گذشته از ترکیب ناتمام کابینه‌ای خبر داده شد که هنوز برخی پست‌های مهم وزارتی آن بدون متصدی است!
- (۳) در روز پنجشنبه گذشته که هنوز در مورد پست‌های مهم وزارتی اختلاف نظر وجود داشت، اعلام شد که کابینه‌ای با ترکیب ناتمام تشکیل شده است!
- (۴) اعلامیه‌ای که درباره دولت روز پنجشنبه گذشته صادر شد حاکی از این است که در مورد پست‌های مهم وزارتی هنوز اختلاف نظر موجود است!

۷- « ما مات منا سيّد حتف أنفه! ». مفهوم العبارة:

- (۱) إنّما أسيدنا يموتون في فراش المرض! (۲) لم يمّت أسيدنا إلاّ في ساحة القتال!
- (۳) إنّما يموت سادتنا في فراش المرض! (۴) لم يستول أحد على سادتنا في القتال!
- ۸- « او دانشنامه عظیم خود را براساس اسناد و مکاتبات بایگانی شده در دارالانشاء مصر تألیف کرده است:» (۱) موسوعته العظيمة قد ألفت على ما حصل من الأسناد و المراسلات في دار الإنشاء المصرية.
- (۲) إنّ دائرة المعارف الكبرى التي ألفتها كانت على أساس محفوظات المراسلات في دار الإنشاء المصرية.
- (۳) إنّّه قد اعتمد في موسوعته الجليلة على محفوظات دار الإنشاء المصرية من الوثائق و المراسلات.
- (۴) هو قد ألفت دائرة المعارف جليلة على ما كان محفوظاً في دار الإنشاء المصرية من الوثائق و المكاتبات.

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشکیل (۹)

۹- عین الخطأ:

- (۱) أيها الناس اتقوا الله، فما خلق امرؤ عبثاً فيلهو؛
- (۲) و لا ترك سدى فيلغو و ما دنياه التي تحسنت له بخلف من الآخرة؛
- (۳) التي فبحها سوء النظر عنده، و ما المعرور الذي ظفر من الدنيا؛
- (۴) بأعلى همته كالأخر الذي ظفر من الآخرة بأدنى سهمته!

■ ■ عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (١٠-١٢)

١٠- ﴿ وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴾:

(١) مكانًا: اسم جامد و مصدر ميمي - مفعول به منصوب لفعل « انتبذت » و منعوت للنعته « شريقيًا »
(٢) شريقيًا: اسم منسوب و مؤول إلى المشتق (= منسوب إلى الشرق)، نعت مفرد حقيقي و منصوب بالتبعية للمنعوت «مكانًا»

(٣) إذ: اسم غير متصرف، ظرف للزمان و في محلّ نصب بدل اشتمال من المفعول به « مريم » و منصوب محلاً بالتبعية

(٤) انتبذت: فعل ماضٍ من باب افتعال، فاعله الضمير المستتر فيه جوازًا، و الجملة فعلية في محلّ جرّ، مضاف إليه

١١- « وَ لَيْلٍ كَمَوْجِ الْبَحْرِ أُرْخَى سُدُولُهُ عَلَيَّ بِأَنْوَاعِ الْهَمُومِ لِيَبْتَلِيَّ ﴾:

(١) أرخى: فعل ماضٍ من باب إفعال، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازًا، و الجملة فعلية و حالية و في محلّ نصب

(٢) كموج: الكاف، اسم غير متصرف بمعنى « مثل » و نعت و مجرور محلاً بالتبعية للمنعوت « ليل »، و هو مؤول إلى المشتق (= مماثل)

(٣) ليل: اسم - مفرد مذكر - نكرة، مجرور في اللفظ بحرف « ربّ » الزائدة و المقدّرة في الواو، و مرفوع محلاً على أنّه مبتدأ

(٤) و ليلٍ: الواو واو « ربّ » حرف زائد، ليل: مبتدأ و مرفوع محلاً، و خبره جملة « أرخى ... » و الرابط ضمير الهاء في « سدوله »

١٢- « إِنَّهُ أَلْفَى كَلِمَتَهُ أَمَامَ الْجُلُوسِ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لَثْمَانِي لِيَالٍ مُضِيٍّ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ السَّنَةِ السَّتِيْنِ مِنَ الْهَجْرَةِ ﴾:

(١) الستين: اسم من أعداد العقود الأصلية، جمع سالم للمذكّر بالإلحاق، معرب/ مضاف إليه و مجرور بالياء
(٢) الجلوس: اسم، جمع تكسير أو مكسّر (مفردة: جالس، مذكّر)، معرّف بأل، منصرف / مضاف إليه و مجرور

(٣) ليالٍ: جمع مكسّر (بزيادة الياء على غير القياس)، معرب و منقوص و ممنوع من الصرف/ تمييز مفرد و مجرور بالإضافة

(٤) ثماني: من الأعداد المفردة الأصلية، مفرد مذكر (للمعدود المؤنث) - منقوص - ممنوع من الصرف / مجرور بكسرة مقدّرة بحرف الجر

■ ■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (١٣-٢٠)

- ١٣- « فوالله ما أنسى قتيلاً رزئته / بجانب فوسى، ما بقيت على الأرض / على أنها تعفو الكلوم و إنما».
- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي مَعْنَى «عَلَى»:
- (١) الاستعلاء
(٢) التعليل ك « اللام»
(٣) الاستدراك و الإضراب
(٤) الظرفية ك « في»
- ١٤- عَيْنُ الْخَطَأِ: نقول العبارة
- (١) « قعدت قعوداً» لإزالة الريب في وقوع الفعل!
(٢) « قعدت قعدة» لمن يسأل عن كيفية القعود!
(٣) « قعدت قعدة» لمن يسأل عن دفعات وقوع الفعل!
(٤) « قعدت قعدتين» لإزالة الريب في وقوع الفعل!
- ١٥- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْكُنَايَاتِ:
- (١) كَأَيِّنْ مِنْ مَشَاكِلِ عَوِيصَةَ تَحَلَّاهَا الْهَمُّ الْعَالِيَةُ!
(٢) كَانَتْ لِي بَضْعَةٌ دَنَانِيرٍ فَأَعْطَيْتُ زَمِيلِي عَشْرَةَ مِنْهَا!
(٣) أَخَذْتُ تَنْبَاهِي وَ تَقُولُ إِنِّي طَالَعْتُ حَتَّى الْآنَ كَذَا وَ كَذَا مَقَالَةً!
(٤) لَمَّا دَخَلْتُ الصَّفَّ وَجَدْتُ فَلَانَةَ وَ فَلَانًا قَدْ سَبَقَانِي فِي الْحَضُورِ!
- ١٦- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَمْ يَسْتَعْمَلْ فِيهَا ضَمِيرُ الشَّانِ:
- (١) إِنَّ مَنْ يَدْعُ إِلَى الْخَيْرِ يَجِدْهُ!
(٢) وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ!
(٣) إِعْلَمَنَّ أَنَّ مَنْ يُبَادِرُ الصَّيْدَ مَعَ الْفَجْرِ يَقْنَصُ!
(٤) إِنَّ الْحَقَّ لَا يَخْفَى عَلَى ذِي بَصِيرَةٍ!
- ١٧- عَيْنُ الْخَطَأِ:
- (١) صَبِرًا فَيَنْجَحُونَ فِي الْحَيَاةِ!
(٢) كَأَنَّكَ أَمِيرٌ فَيَجْتَمِعُوا حَوْلَكَ!
(٣) هَلَمْ إِلَى الْخَيْرِ فَتَجْحُوا فِي الدُّنْيَا!
(٤) لَيْسُوا بِظَالِمٍ فَيَخَافُوا مِنْ ظَلَمِهِمْ!
- ١٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ (فِي «أَيَّ»):
- (١) أَخْبَرْتُكَ أَيَّ طَالِبِينَ نَجَحَا!
(٢) جِئْتُ لِأَعْلَمَ أَيَّ كِتَابٍ اخْتَرْتُ!
(٣) أَفْرَحُ حِينَ أُطَّلِعُ أَيُّهُمْ هُوَ نَاجِحٌ!
(٤) أَحَبُّ أَنْ أَعْلَمَ أَيُّ طُلَّابٍ جَاءُوا!
- ١٩- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ عَامِلِ الْحَالِ:
- (١) ذَلِكَ أَخْوَكُ عَطُوفًا. (ذَلِكَ « أَشِيرُ »)
(٢) مَا شَأْنُكَ مُجِيبًا؟! (مَحْذُوفٌ جَوَازًا)
(٣) أَجَالَسًا وَ قَدْ ذَهَبَتِ الْقَافِلَةُ؟! (مَحْذُوفٌ وَجُوبًا)
(٤) هَذَا مَقْبَلٌ مَتَأَنِّيًّا. (هَذَا « أَشِيرُ »)
- ٢٠- عَيْنُ الصَّحِيحِ:
- (١) نَحْنُ الْمَعْلَمِينَ وَ هَذَا فخرٌ عَظِيمٌ لَنَا!
(٢) نَحْنُ الْمَعْلَمِينَ نَهْتَمُّ بِتَرْبِيَةِ الْأَجْيَالِ!
(٣) هُوَ لِأَنَّ الْمَعْلَمِينَ رَبُّوًا جِيلَنَا عَلَى الْفَضَائِلِ!
(٤) هُمُ الْمَعْلَمِينَ بِهِمْ تَقْتَدِي الْأُمَّةُ فِي طَرِيقِهَا!

- ۲۱- لو باع المشتري الشقص او وهب او وقف
 (۱) تبطل الشفعة بسبب ذلك كله
 (۲) لا تسقط الشفعة بل للشفيع ابطال ذلك كله
 (۳) تبطل الشفعة بسبب وقف المشتري و لا تسقط بسبب بيعه او هبته
 (۴) لا تسقط الشفعة ببيع المشتري و لكن تبطل الشفعة بالهبة و الوقف من المشتري
- ۲۲- بيع عين مستأجره در مدت عقد اجاره چه حکمی دارد؟
 (۱) مطلقاً باطل است.
 (۲) فقط در صورتی که مشتری همان مستأجر باشد، صحیح است.
 (۳) در صورت علم مشتری به اجاره صحیح است و در صورت جهل وی باطل است.
 (۴) در صورت علم مشتری به اجاره صحیح است و در صورت جهل حق فسخ می‌یابد.
- ۲۳- مقصود از عبارت لایجوز اسقاط المنفعة المعینه و یجوز اسقاط المنفعة المطلقة، کدام است؟
 (۱) مؤجر بعد از عقد اجاره نمی‌تواند بعضی از منافع معین را ساقط کند بلکه مطلق منافع ساقط می‌شود.
 (۲) مؤجر می‌تواند در عقد اجاره بعضی از منافع عین را ساقط کند ولی مطلق منافع را نمی‌تواند اسقاط کند.
 (۳) مستأجر به وسیله عقد اجاره همه منافع مطلقه را مالک می‌شود و نمی‌تواند بعضی از منافع معین را ساقط کند.
 (۴) مستأجر بعد از عقد اجاره نمی‌تواند منفعت متعلق به عین را اسقاط کند ولی می‌تواند منفعت متعلق به ذمه را اسقاط کند.
- ۲۴- حکم خیار غبن اگر مشتری مغبون با جهل به غبن، مال منتقل شده به خودش را به دیگری بفروشد، کدام است؟
 (۱) مشتری مخیر است بین فسخ بیع دوم و رد مبیع به بایع اول و بین رضایت به هر دو بیع
 (۲) با توجه به تصرف مشتری در مبیع و انجام عقد بیع بر روی آن خیار غبن او ساقط می‌شود.
 (۳) مشتری می‌تواند اعمال خیار غبن کند و مثل یا قیمت مبیع را بدل از آن به بایع رد کند.
 (۴) اگر عین باقی باشد مشتری می‌تواند بیع دوم را فسخ کند و با اعمال خیار غبن نسبت به بیع اول مبیع را به بایع رد کند.
- ۲۵- حکم پدیدار شدن عیب در عین مستأجره بنا بر نظر شهید ثانی، کدام است؟
 (۱) منحصرأً قبل از استیفای منفعت برای مستأجر فقط حق فسخ ثابت است.
 (۲) قبل یا بعد از شروع در استیفای منفعت برای مستأجر فقط حق فسخ ثابت است.
 (۳) منحصرأً قبل از استیفای منفعت برای مستأجر حق فسخ یا مطالبه ارش ثابت است.
 (۴) قبل یا بعد از شروع در استیفای منفعت برای مستأجر حق فسخ و یا مطالبه ارش ثابت است.
- ۲۶- حکم عقد جعاله از نظر جواز و لزوم، کدام است؟
 (۱) هی لازمة من طرف العامل و الجاعل مطلقاً
 (۲) هی لازمة من طرف الجاعل مطلقاً و اما العامل فجائزة من طرفه قبل التلبس بالعمل
 (۳) هی جایزة من طرف العامل مطلقاً و اما الجاعل فجائزة من طرفه قبل التلبس بالعمل
 (۴) هی جایزة من طرف الجاعل مطلقاً و اما العامل فجائزة من طرفه قبل التلبس بالعمل
- ۲۷- حکم نفقه سفر در مضاربه، کدام است؟
 (۱) از اصل سرمایه است و شرط عدم نفقه لازم الوفاست. (۲) از اصل سرمایه است و شرط عدم نفقه صحیح نیست.
 (۳) از سود مال است و شرط عدم نفقه لازم الوفاست. (۴) از سود مال است و شرط عدم نفقه صحیح نیست.

- ۲۸- لو زوجها الابوان برجلین و اقترنا قدم عقد و لو زوجها الاخوان برجلین فالعقد ان كانا وكيلین
 (۱) الاب - للسابق
 (۲) الجد - للسابق
 (۳) الجد - ماشاء المرثه منهما
 (۴) الاب - ما شاءت المرثه منهما
- ۲۹- اگر زوج ادعای طلاق خلع و زوجه ادعای طلاق رجعی کند، حکم کدام است؟
 (۱) با یک شاهد و قسم مرد خلع ثابت خواهد شد.
 (۲) با یک شاهد و قسم زن طلاق رجعی ثابت خواهد شد.
 (۳) در اینجا تعارض در دعوی است و در صورت اقامه شاهد از هر طرف باید تحالف شود.
 (۴) چون طلاق خلع مانند طلاق رجعی از اله قید نکاح است فقط با دو شاهد از هر طرف قابل اثبات است.
- ۳۰- لو اختلفا فی رد العین حلف و فی قدر الاجرة حلف
 (۱) المالك - المستأجر
 (۲) المستأجر - المالك
 (۳) المالك - المالك
 (۴) المستأجر - المستأجر
- ۳۱- کدام مورد در باب شفعه، صحیح است؟
 (۱) لاتثبت الشفعة للغائب ان طالت غيبته
 (۲) تثبت الشفعة لغير الشريك الواحد على اشهر القولین
 (۳) تثبت الشفعة فی بیع الشجر منفرداً غیر منضمٌ إلى مغرسه
 (۴) لاتثبت الشفعة فی المقسوم، بل غیر المشترك مطلقاً؛ الامع الشركة فی المجاز و الشرب
- ۳۲- کدام مورد در موضوع «بیع العنب لیعمل خمرأ»، درست است؟
 (۱) حرامٌ فی صورة الاشتراط و علم البایع بعمل المشتري أو ظنه
 (۲) حرام مطلقاً، سواء شرطه فی العقد، أم حصل الاتفاق علیه
 (۳) حرامٌ فی صورة الاشتراط و مباح فی حالة حصول الاتفاق علیه
 (۴) حرامٌ فی حالة اشتغال المشتري بعمل الخمر و علم البایع بذلك
- ۳۳- عده وفات در مورد زن حامله، کدام است؟
 (۱) وضع حمل
 (۲) چهار ماه و ده روز
 (۳) ابعدا الاجلین از وضع حمل و چهار ماه و ده روز
 (۴) اقرب الاجلین از وضع حمل و چهار ماه و ده روز
- ۳۴- کدام مورد درباره ضمان ایادی متعاقبه در غصب، درست است؟
 (۱) جملگی ید ضمان اند، مطلقاً
 (۲) فقط در صورت علم به غصب، ید ضمان اند.
 (۳) در هر صورت فقط ید نخست، ید ضمان است.
 (۴) یکی از ایادی لاعلی تعیین ید ضمان است و با اختیار مالک تعیین می شود.
- ۳۵- اگر قاضی علم به حق داشته باشد، بنابر نظر شهیدین، حکم کدام است؟
 (۱) جایز نیست حکم بر طبق علم خود مگر با رضایت مدعی علیه
 (۲) جایز است بر طبق علم خود حکم کند یا از مدعی، طلب بینه کند.
 (۳) واجب است بر طبق علم خود حکم کند و جایز نیست بر او طلب بینه مگر با رضایت مدعی
 (۴) واجب است بر طبق علم خود حکم کند و جایز نیست بر او طلب بینه مگر به قصد دفع تهمت

- ۳۶- لو ادعی الزوج الانفاق مع اجتماعها و یساره و انکرته
- (۱) فهو مدعٍ علی الاصل و علی الظاهر
(۲) فهي مدعية علی الاصل و علی الظاهر
(۳) فهو مدعٍ علی الاصل و هی مدعية علی الظاهر
(۴) فهي مدعية علی الاصل و هو مدعٍ علی الظاهر
- ۳۷- در کدام مورد، شریک در مالی می تواند شریک دیگر را مجبور به تقسیم کند؟
(۱) مطلقاً می تواند.
(۲) اگر متضمن ضرر و رد نباشد.
(۳) در صورت عدم ضرر اگرچه متضمن رد باشد.
(۴) در صورت عدم رد اگرچه متضمن ضرر باشد.
- ۳۸- و لو باع غیر المملوک مع ملکه
- (۱) بطل البیع لتبعض الصفقة
(۲) صحّ البیع و یتخیر المالك و المشتري
(۳) وقف صحة العقد فی الجميع علی اجازة المالك
(۴) صحّ البیع فی ملکه و وقف فی مالایملک علی اجازة مالکه
- ۳۹- اگر زنی از دنیا برود و بازماندگان او همسر، پدر و مادر، برادر و دو خواهر باشند، تقسیم اموال او به کدام صورت خواهد بود؟
- (۱) $\frac{3}{6}$ به همسر و $\frac{2}{6}$ به پدر و $\frac{1}{6}$ به مادر
(۲) $\frac{1}{4}$ به همسر و باقیمانده به صورت مساوی برای پدر و مادر
(۳) $\frac{3}{6}$ به همسر و $\frac{1}{6}$ به هر کدام از پدر و مادر و $\frac{1}{6}$ باقیمانده به صورت مساوی بین دو خواهر
(۴) $\frac{3}{12}$ به همسر و $\frac{2}{12}$ به هر کدام از پدر و مادر و باقیمانده بین برادران و خواهران به صورتی که ذکر شد
- ۴۰- فللمستأجر ان یوجر العین الّتی استأجرها الامع شرط الموجر الاول استیفاء المنفعة فلا یصح له حینئذ ان یؤجر آلا ان یشرط علی الثانی استیفاء المنفعة له
- (۱) لنفسه - المستأجر الثانی - بنفسه
(۲) بنفسه - المستأجر الاول - بنفسه
(۳) لنفسه - المستأجر الاول - لنفسه
(۴) بنفسه - المستأجر الثانی - بنفسه
- ۴۱- یجوز للمستعیر بیع غروسه و أبنیته علی المشهور
- (۱) و لو علی غیر المالك
(۲) بإذن المالك فقط
(۳) مع علم المشتري بالعاریة فقط
(۴) علی المالك فقط
- ۴۲- فی ای مورد بطل الوقف؟
- (۱) لو كان الموقوف مالاً مشاعاً
(۲) لو رجع الواقف فی الوقف بعد تحقّقه
(۳) لو مات الواقف قبل قبض مال الموقوف
(۴) لو كان الوقف معلقاً علی شرط او صفة و الواقف عالم بوقوعه
- ۴۳- و الظاهر انّ القبول
- (۱) ناقل فی حصول الملك بعد القبول
(۲) کاشف عن سبق الملك للموصی له بالموت
(۳) جزء للسبب الناقل للملك و الملك حصل بعد اتمام السبب
(۴) شرط لحصول الملك كقبول البیع فیمتنع تقدم الملك علیه

- ۴۴- ما هی الباضعة و کم دیتها؟
 (۱) هی الفاشرة للجلدة و فیها بعیر
 (۲) هی الاخذة كثيراً فی اللحم و فیها ثلاثة ابعة
 (۳) هی التي تأخذ فی اللحم یسیراً و فیها بعیران
 (۴) هی التي تبلغ الجلدة المغشیة للعظم و فیها اربعة ابعة
- ۴۵- نسبت به مفهوم «نفویض بضع»، کدام مورد درست است؟
 (۱) عدم ذکر مهر
 (۲) اشتراط عدم مهر
 (۳) برعهده زوج نهادن تعیین مهر
 (۴) بر عهده احد زوجین یا فرد ثالث نهادن تعیین مهر
- ۴۶- هل یصح عقد الوكالة لو علق تصرف الوکیل علی شرط؟
 (۱) یصح عقد الوكالة لان الوكالة عقد جایز و لا یشترط فیہ تنجیز.
 (۲) یبطل عقد الوكالة لان تصرف الوکیل لایجوز ان یشترط فیہ معلقاً.
 (۳) یصح عقد الوكالة لان تعليق التصرف لاینافی تنجیز الوكالة.
 (۴) یبطل عقد الوكالة لان العقد معلق فی نتیجه.
- ۴۷- برای اثبات قتل، ارتداد، سحق و قیادة، به ترتیب چند بار اقرار لازم است؟
 (۱) یک - چهار - چهار - دو
 (۲) یک - دو - دو - چهار
 (۳) یک - یک - چهار - یک
 (۴) دو - یک - دو - دو
- ۴۸- بنابر نظر شهید ثانی، شرط سقوط ضمان در صورت تعدی و تفريط مستعیر جایز است؟
 (۱) خیر، چون مخالف با مقتضای عقد و شرع است.
 (۲) خیر، چون تعدی و تفريط سبب ضمان است.
 (۳) بله، چون مانند براهه ممّا لم یجب است.
 (۴) بله، چون مانند اذن در اتلاف است.
- ۴۹- ان اجاز المالك العقود المترتبة علی المثلث صحّ.....
 (۱) المجاز فقط
 (۲) المجاز و ما قبله من العقود
 (۳) المجاز و ما بعده من العقود
 (۴) المجاز و ما قبله و ما بعده من العقود
- ۵۰- و لو اشترک فی قتل الرجل نساء فلوکنّ ثلاثاً و قتل الولی واحدة. ردت الباقيتان علی المقتوله و علی الولی.....
 (۱) ثلث دية امرأة - نصف دية الرجل
 (۲) ثلثا دية امرأة - ثلث دية الرجل
 (۳) ثلث دية امرأة - ثلث دية الرجل
 (۴) ثلثا دية امرأة - نصف دية الرجل
- ۵۱- وضع لفظ «ماء» برای «مايع روان» از کدام یک از اقسام وضع است؟
 (۱) وضع عام و موضوع له عام
 (۲) وضع عام و موضوع له خاص
 (۳) وضع خاص و موضوع له عام
 (۴) وضع خاص و موضوع له خاص
- ۵۲- الخبر الواحد الاصولی.....
 (۱) ماکان المخبر واحداً
 (۲) ما لا یبلغ حد التواتر
 (۳) ما لا یبلغ حد الاستفاضه
 (۴) ما احتف بالقرائن الموجبة للاطمئنان
- ۵۳- حجیت امارات در کدام فرضها جعل شده است؟
 (۱) انفتاح باب علم
 (۲) انسداد باب علم
 (۳) انسداد باب علم و انسداد باب علمی
 (۴) انفتاح باب علم و انسداد باب علم

- ۵۴- طبق دیدگاه مظفر، کدام معنی از حُسن و قبح درباب حُسن و قبح عقلی مدنظر است؟
 (۱) کمال و نقص
 (۲) استحقاق مدح و ذمّ
 (۳) ملائمت و منافرت نفس
 (۴) استحقاق ثواب و عقاب اخروی
- ۵۵- انصراف ناشی از کدام مورد، مانع از تمسک به اطلاق لفظ است؟
 (۱) غلبه وجودی
 (۲) سبب خارجی
 (۳) غلبه به کارگیری لفظ
 (۴) متعارف بودن ممارست خارجی
- ۵۶- بنابر نظر مظفر، کدام قسم از شهرت جابر ضعف سند خبر ضعیف است؟
 (۱) روایی
 (۲) تقوایی
 (۳) عملی قدماء
 (۴) عملی قدما و متأخرین
- ۵۷- مقصود از قید «مندوحه» در مسئله اجتماع امر و نهی، کدام است؟
 (۱) وجود مانع از امتثال امر در غیر مورد اجتماع
 (۲) تمکن مکلف از امتثال امر در غیر مورد اجتماع
 (۳) وجود تراحم بین امتثال امر و نهی در مورد اجتماع
 (۴) همزمان بودن مأموریه و منهی‌عنه در مقام امتثال در مورد اجتماع
- ۵۸- طبق دیدگاه مظفر، نتیجه دلیل انسداد کدام مورد است؟
 (۱) حجیت ظن، مطلقاً
 (۲) رجوع به اصل عملی جاری در مسئله
 (۳) عمل به احتیاط در حدی که به عسر و حرج نینجامد.
 (۴) حجیت مطلق ظن، به جز ظنون قطعی البطلان
- ۵۹- بنابر نظر نهایی شیخ انصاری، مرتفع در «فی مالایعلمون» کدام است؟
 (۱) ایجاب التحفظ
 (۲) ارتفاع مجازات
 (۳) استحقاق مذمت
 (۴) فعلیة عقاب
- ۶۰- دیدگاه شیخ انصاری درباره «تعدی از مرجحات منصوصه» چیست؟
 (۱) وجوب بسنده کردن به مرجحات منصوصه
 (۲) ترجیح به هر مزیتی که موجب اقریبیت به واقع شود.
 (۳) تعدی به مرجحات غیرمنصوصه درخصوص صفات راوی و بسندگی در سایر موارد
 (۴) درصورت قول به تخییر به مثابه قاعده ثانویه، تعدی و درصورت قول به توقف، بسنده کردن به موارد منصوصه
- ۶۱- درصورت تعدد شرط و وحدت جزاء، اصل عملی در تداخل مسببات کدام است؟
 (۱) احتیاط
 (۲) تخییر
 (۳) براءت شرعیه
 (۴) براءت عقلیه
- ۶۲- کدام جمله، در باب اجزای اوامر اضطراری، درست است؟
 (۱) مقتضای قاعده، اجزای تکالیف اضطراری در خارج وقت و عدم اجزا در داخل وقت است.
 (۲) شک در وجوب اداء یا قضا بعد از زوال اضطرار، شک در اصل تکلیف و مجرای براءت است.
 (۳) اطلاقات ادله تکالیف اضطراری دال بر عدم اجزای عمل اضطراری بعد از زوال اضطرار است.
 (۴) مقتضای قاعده، اجزای تکالیف اضطراری درخصوص نماز و عدم اجزا در سایر تکالیف اضطراری است.

- ۶۳- نظر نهایی شیخ انصاری در مورد وجه تقدیم دلیل اماره بر اصول عملیه، کدام است؟
- (۱) حکومت نسبت به اصول عملیه شرعیه و ورود نسبت به اصول عملیه عقلیه
 - (۲) تخصیص نسبت به اصول عملیه شرعیه و ورود نسبت به اصول عملیه عقلیه
 - (۳) ورود نسبت به اصول عملیه شرعیه و حکومت نسبت به اصول عملیه عقلیه
 - (۴) حکومت مطلقاً، چون دلیل اماره رافع موضوع اصل است.
- ۶۴- قول معروف در مورد نهی از ذات سبب معامله کدام است و دلیل آن چیست؟
- (۱) دلالت بر فساد معامله نمی‌کند چون این نهی فقط ارشادی است و مبعوضیت ندارد.
 - (۲) دلالت بر فساد معامله می‌کند چون عقلاً موجب مبعوضیت عقد و فساد معامله است.
 - (۳) دلالت بر فساد معامله می‌کند چون نهی از سوی شارع سلطنت مکلف بر عقد را برمی‌دارد.
 - (۴) دلالت بر فساد معامله نمی‌کند چون منافات بین مبعوضیت عقد و بین صحت عقد نیست.
- ۶۵- و يُسَمَّى الدليل الدال على هذا الحكم الظاهري اصلاً و أما ما دل على الحكم الأوّل - علماً او ظناً معتبراً - فيختص باسم - «الدليل» و قد يُقيد بـ «.....» كما أنّ الأوّل قد يُسمّى بـ «الدليل» مقيداً بـ «.....»
- (۱) الفقهاتی - الاجتهادی
 - (۲) الظنّی - الاصلی
 - (۳) الاستنباطی - القواعدی
 - (۴) الاجتهادی - الفقهاتی
- ۶۶- اگر شخصی اجمالاً علم به خروج رطوبت مردد بین بول و منی داشته باشد و وضو بگیرد، بنابر نظر مظفر حکم جریان استصحاب کدام مورد است؟
- (۱) مطلقاً استصحاب جاری نمی‌شود.
 - (۲) استصحاب فقط نسبت به کلی حدث جاری می‌شود.
 - (۳) در صورت مقارنه اتفاقیه بین افراد کلی فقط نسبت به کلی حدث جاری می‌شود.
 - (۴) استصحاب هم نسبت به کلی حدث و هم نسبت به خصوصیت فرد جاری می‌شود.
- ۶۷- بین دو عبارت «ثمن العذرة سحت» و «لا بأس ببيع العذرة» چگونه جمع می‌شود؟
- (۱) یکی از دو عبارت مقید است و دلیل مطلق را تقييد می‌کند.
 - (۲) بین دو دلیل عموم و خصوص مطلق است و عام بر خاص حمل می‌شود.
 - (۳) دو عبارت از قبیل متعارضین است و باید به قواعد باب تعارض رجوع کرد.
 - (۴) با توجه به وجود قدر متیقن از خارج هر کدام از دو عبارت حمل بر قدر متیقن می‌شود.
- ۶۸- ما هو المقصود من النزاع في دلالة النهي على الفساد؟
- (۱) البحث عن اخذ معنى الفساد في الموضوع له للهيئة
 - (۲) البحث عن الدلالة اللفظية للنهي على فساد المنهي عنه مولوياً
 - (۳) البحث عن اقتضاء طبيعة النهي عن الشيء فساد المنهي عنه عقلاً
 - (۴) البحث عن دلالة النهي على الفساد بالدلالة المطابقية بداعي الارشاد
- ۶۹- التقسيمات الثانويه للواجب هي
- (۱) بعد ثبوت الوجوب و تعلق الامر به واقعاً
 - (۲) لذات الواجب بما هو هو مع قطع النظر عن الخصوصيات
 - (۳) باعتبار الخصوصيات التي يمكن ان تلحقه في الخارج بالذات
 - (۴) بملاحظة اجزائها و شروطها و ملاحظة كل مايمكن فرض اعتباره فيها

- ۷۰- گزینه درست در باب منشأ دلالت شرط بر علیت منحصره، کدام است؟
 (۱) دلالت وضعی
 (۲) تبادل عرفی
 (۳) اطلاق و تمامیت مقدمات حکمت
 (۴) انصراف جمله شرطیه به علیت منحصره
- ۷۱- و الحاصل ان معنى الترتب المقصود هو اشتراط الامر بتزل و هذا الاشتراط حاصل فعلاً بمقتضى
- (۱) بالمهم - الواجب - الادلة العقلية
 (۲) بالاهم - الواجب - الادلة العقلية
 (۳) بالمهم - الاهم - الدليلين
 (۴) بالاهم - المهم - الدليلين
- ۷۲- کدام مورد در خصوص دلالت آیه نفر درست است؟
 (۱) موضوع آیه کریمه منحصرأً برای جهاد است.
 (۲) آیه کریمه از ناحیه اشتراط «انذار علم آور» مطلق است.
 (۳) با عنایت به لفظ طائفه این آیه دلالتی بر حجیت خبر واحد ندارد.
 (۴) آیه دلیل بر وجوب قبول فتوای مجتهد است و دلالتی بر حجیت خبر واحد ندارد.
- ۷۳- شیخ انصاری استدلال به آیه ﴿و ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا﴾ بر برائت را به کدام دلیل رد می پذیرد؟
 (۱) می پذیرد، چون بعث رسول کنایه از بیان تکلیف است.
 (۲) می پذیرد، چون آیه دلالت بر نفی عقاب قبل از بیان دارد.
 (۳) نمی پذیرد، چون آیه در مورد هلاکت بعد از بعثت انبیاء است.
 (۴) نمی پذیرد، چون آیه اختصاص به عذاب دنیوی واقع در امت‌های گذشته دارد.
- ۷۴- اجماع در نزد امامیه به منزله خبر و دلیل است.
 (۱) واحد - لفظی
 (۲) متواتر - لفظی
 (۳) متواتر - لئی
 (۴) واحد - لئی
- ۷۵- طبق دیدگاه مظفر، کدام مورد جزو موارد اختلافی جمع عرفی است؟
 (۱) تقدیم عام بر خاص
 (۲) تقدیم اظهر بر ظاهر
 (۳) اخذ به قدر متیقن خارجی
 (۴) حمل بر نسخ یا تخصیص در دوران بین آن دو
- ۷۶- ثمره مسئله «اقتضاء امر بشی للنهی عن ضده» به ترتیب اختصاص به کدام ضد دارد و در چه موردی است؟
 (۱) ضد خاص - فساد ضد عبادی بنا بر قول به اقتضاء
 (۲) ضد عام - فساد همه مصادیق عبادی ضد عام بنا بر قول به اقتضاء
 (۳) ضد خاص - معصیت تنها و عدم فساد ضد عبادی بنا بر قول به اقتضاء
 (۴) ضد عام - عدم معصیت و عدم فساد مصادیق عبادی ضد عام بنا بر قول به اقتضاء
- ۷۷- دو عبارت «اخراج حقیقی مع بقاء الظهور الذاتی للعموم فی شموله» و «اخراج تنزیلی علی وجه لایبقی ظهور ذاتی للعموم فی الشمول» به ترتیب تعریف کدام دو اصطلاح است؟
 (۱) تخصیص - ورود
 (۲) حکومت - تخصیص
 (۳) تخصیص - حکومت
 (۴) ورود - حکومت
- ۷۸- نسبت قاعده قبح عقاب بلا بیان با قاعده وجوب دفع ضرر محتمل بنا بر نظر شیخ انصاری، کدام است؟
 (۱) قاعده قبح عقاب بلا بیان وارد بر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل می‌شود.
 (۲) قاعده وجوب دفع ضرر محتمل بیان عقلی است و وارد بر قاعده قبح عقاب بلا بیان می‌شود.
 (۳) قاعده قبح عقاب بلا بیان موجب تخصیص قاعده وجوب دفع ضرر محتمل به موارد خاص می‌شود.
 (۴) قاعده وجوب دفع ضرر محتمل یک حکم عقلی است و قبح عقاب و مؤاخذه را در صورت عدم احتیاط برمی‌دارد.

۷۹- این سؤال در صحیحۀ اولی « قلت فان حُرَّک فی جنبه شیء و هو لا یعلم؟ قال (علیه السلام): لا حتی یتیقن انه قد نام حتی یجئ من ذلک امر بین فانه علی یقین من وضوئه» که سؤال دوم زراره می‌باشد، از کدام شبهه است؟

- (۱) حکمیه
(۲) موضوعیه
(۳) مفهومیه
(۴) مصداقیه

۸۰- قول شیخ انصاری در مورد حجیت استصحاب، کدام است؟

- (۱) حجیت استصحاب مطلقاً
(۲) حجیت استصحاب در احکام شرعیه و عدم حجیت در امور خارجیه
(۳) حجیت استصحاب در شک در رافع و عدم حجیت در شک در مقتضی
(۴) حجیت استصحاب در احکام تکلیفیه و عدم حجیت استصحاب در احکام وضعیه

